

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر زلفی گل؛

وزیر محترم نهاد علم جمهوری اسلامی

سلام علیکم

به مهد علوم انسانی و جمع دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی (ره) خوش آمدید. از اینکه تصمیم گرفتید بالاخره پس از سه سال از زمان شروع وزارت داریتان، در میان دانشجویان دانشگاهی حاضر شوید که بارها به صورت تشریفاتی و اداری در آن حضور یافته‌اید، بسیار خرسندیم.

و اما بعد..

امروز حدود سه سال از زمانی که شما از عنوان «استاد عالی شیمی در سنگر خود یعنی آزمایشگاه‌های شیمی» خداحافظی کردید و عازم ساختمان وزارت علوم شدید گذشته است. هرچند برای ما پرسش مهمی است که با چه افق و تدبیری شیمیدان نمونه کشوری باید در مقام عالی وزارت‌خانه‌ای قرار گیرد که ماهیت آن هیچ نسبتی با سررشته‌ی دانشگاهی وی ندارد، اما بگذریم و به اصل مطلب بپردازیم ...

آقای وزیر!

سه روز پیش - یعنی شنبه هفته جاری - سالروز بیانات تاریخی حضرت امام خمینی (ره) در ۱ اردیبهشت ۱۳۵۹ بود. بیاناتی که یک روز بعد بهانه‌ای برای آغاز انقلاب فرهنگی شد. این که متولیان

انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها چگونه آن را از اهداف اصیل خود دور کردند و بهانه‌ای برای تسویه حساب‌های شخصی در آن دوره قرار دادند، موضوع بحث ما نیست.

اما شما وزیر محترم و حضار این جلسه را فقط به یک جمله متوجه می‌کنیم : «دانشگاه‌ها باید تغییر بنیانی کنند و باید از نو ساخته بشوند». عنایت دارید پس که انقلاب فرهنگی رسالت لحظه‌ای شما و پیشینیان شما در وزارت علوم بوده است. انقلاب فرهنگی! انقلاب و نه اداره روزمره؛ فرهنگی و نه امنیتی!

پس ما در سالگرد روزی میزبان شما در دانشگاه علامه طباطبائی (ره) هستیم که چنین رسالت سیاسی‌ای از زبان عارف انقلابی تاریخ ما، امام روح الله خمینی (ره) خطاب به شما و جایگاه شما صادر شده است؛ چه خوش باشد که همین «گزاره تاریخی» هم معیار نقد و بررسی عملکرد حضرتعالی در صدارت وزارت علوم باشد! آیا شما در مسیر تحول بنیانی دانشگاه هستید آقای زلفی گل؟!

علاقه‌مندیم به‌عنوان بسیجیان خمینی (ره) و سربازان امام خامنه‌ای در سنگر مهمترین دانشگاه علوم انسانی کشور، سخن آخر را اول به شما بگوییم :

«آقای زلفی گل! شما از ابتدا هم اشتباهی بودید! همانطور که پیشینیان شما ندانستند از جان دانشگاه چه می‌خواهند و آن را به بی‌راهه کشاندند، شما هم نسبتی با رسالت مذکور تاکنون نداشته‌اید!»

اما چرا می‌گوییم شما اشتباهی بودید؟

شما با افتخار در روز دفاع از خویش در مجلس شورای اسلامی و در مقابل چشمان ملت ایران، از ایده‌های خودتان برای تقویت «دانشگاه کارآفرین» سخن گفتید. محض اطلاع عرض می‌کنیم آقای وزیر که این سیاست محبوب شما، یعنی کارآفرین کردن دانشگاه، نه فقط سیاست شما و

اصلاح‌طلبان پیش از شما بلکه یک سیاست جهانی-غربی جهت «تبدیل دانشگاه به بنگاه» بوده است!

این راهبرد سال‌هاست دانشگاه مظلوم انقلاب اسلامی را تبدیل به «بنگاه‌های پروژه‌بگیری» کرده است که اساساً با طرح «دانشگاه جمهوری اسلامی» امام خمینی (ره) فاصله دارد. در دانشگاه کارآفرین شما خلاقیت فکری-دانشجویی مُرده است و «پول و کار» حرف اول را می‌زند. دانشگاه تبدیل به بنگاه استارت‌آپی شده و در آن علم، رخت بر بسته است و منافع شخصی، گروهی، حزبی، شرکتی و پروژه‌ای حرف اول را می‌زند. در این وضعیت دیگر چیزی به عنوان دانشجوی آزاده و استاد دانشگاه مستقل باقی نمی‌ماند. چیزی به اسم شور و اشتیاق دانشجویی و برنامه پژوهشی مستقل، بروز پیدا نمی‌کند.

در این شکل دانشگاه، صرفاً پیمان کار دولت و شرکت‌های بزرگ تلقی می‌شود و هزینه‌های خود را از طریق حل مشکلات فنی و تکنیکی دولت‌ها و بازار تامین می‌کند. دانشگاه به سمت مسائل کاربردی متمایل می‌شود و تحقیقات بنیادی در علوم پایه و انسانی که نسبت کمتری با مسائل کارکردی دارند و اساساً کمتر پول‌ساز هستند، به حاشیه می‌روند. این «سیاست» میراثی است که آقای ستاری معاون علمی سابق رئیس جمهور دولت امید، برای شما و رئیس جمهور محترم فعلی و البته دیگر ارکان حاکمیت به ارث گذاشته است!

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دانشگاه کارآفرین، از ابتدای دهه ۹۰ تا اکنون که با شما سخن می‌گوییم «سیاست‌زدایی از محیط دانشگاه» بوده است. سیاست‌زدایی یعنی چه؟ یعنی تضعیف هدف‌مند تشکل‌های دانشجویی. یعنی اولویت رفاه و ساخت‌وساز عمرانی بر تقویت بنیه فکری دانشگاه. یعنی ترس از آزاداندیشی دانشگاهی. یعنی سپردن افسار دانشگاه به نهادهای محترم حراستی-امنیتی. یعنی سوق دادن دانشجو به سوی اندیشه کارآفرینی به جای اندیشه سیاسی. یعنی خالی شدن دانشگاه از اساتید دین‌مدار، میهن‌دوست و متعهد به چارچوب‌های ملی سرزمینی. یعنی غلبه چاپلوسی. یعنی خنثی بودن طرح‌ها و واحدهای درسی. یعنی حضور تشریفاتی مسئولین حکومتی. این‌ها فقط مصادقی از سیاست‌زدایی است آقای وزیر.

اما دانشگاه از منظر ما آقای زلفی گل پیمان کار هیچ کس نیست. دانشگاه بنگاه اقتصادی و تجاری نیست. دانشگاه مرکز کارآفرینی نیست. «دانشگاه، دانشگاه است و رسالتش طرح مسئله برای سیاست است و این رسالت فقط و فقط به دست دانشجو و استاد متعهد و آگاه رقم می خورد.»

البته این سیاست‌های کارآفرینی، اقتصاد کشور را هم به سمت الگوهای خدماتی برده و دانشجویان و دیگر اقدار را، از ورود به عرصه مهم تولید منع کرده است. نمونه‌اش را می‌خواهید؟ دانشگاه شریف و دانشگاه علامه طباطبائی!

آقای وزیر!

مدت مدیدی است پارک علم و فناوری دانشگاه شریف، مهم‌تر از خود دانشگاه شریف نزد شما مسئولین جلوه کرده است. مدت مدیدی است بودجه‌های هنگفت برآمده از قانون تقویت دانش‌بنیان، دانشگاهیان را به مدیران شرکتی تبدیل کرده است. مدت مدیدی است دانش تاریخی ایرانی-اسلامی در تمامی حوزه‌های علمی، جایش را به «مدل‌های خلاقیت زیست‌بوم فناوری استارت‌آپی» داده است. مدت مدیدی است همین دانشگاه علامه طباطبائی، هیچ رنگ و بویی از علوم انسانی درش باقی نمانده است و در عوض پارکینگ مسئولین و منسوبین بازنشسته همه‌ی دولت‌ها شده است! البته به تازگی آقای معتمدی پارک علم و فناوری هم قرار است راه‌اندازی کنند که طبق شواهد موجود ما، چیزی جز بازتکرار فاجعه اکوسیستم استارت‌آپی دانشگاه شریف نخواهد شد. دانشگاه مظلوم علامه امروز نه تنها فقط از کم‌رمقی و بی‌انگیزگی مدیریتی، بلکه از سردرگمی طراحی ایده اختصاصی علوم انسانی خویش رنج می‌برد و البته همین معضل با نزاع‌های طایفه‌ای داخل دانشگاه نیز آمیخته شده است!

پس آقای زلفی گل!

وقتی از نجات دانشگاه و احیاء نهاد علم و تحول بنیادین دانشگاه سخن می‌گوییم، از اراده‌ها و تصمیم‌های پولادین برای برچیدن چنین وضع اسفناکی سخن به میان می‌آوریم. شما در بیش از دو سال گذشته، صرفاً به اداره و رفع و رجوع امور این وزارت‌خانه حساس و مهم فکر کرده‌اید که البته در همان هم ناتوان بوده‌اید و به همین سبب به عقیده بسیاری از متخصصان، مستحق‌ترین وزیر دولت آقای رئیسی برای برکناری بوده‌اید. و الحق که معاونین وزارت‌خانه شما بیشتر برای جایگاهی که در اختیار داشته‌اند ایده و دستاورد داشته‌اند تا شما.

از کارنامه‌ای که در ایام انتصاب رؤسای دانشگاه‌ها داشتید، کمیته انتصابات وزارت علوم را از موضوعیت انداختید، عملاً رؤسای ناکارآمدی را در دانشگاه‌های کشور منصوب کردید و نتیجه این همه بی‌تدبیری را در بلوای ۱۴۰۱ دیدید، تا نگاهی که در طول این چند سال به تشکل‌های دانشجویی و اساساً بافت فرهنگی دانشجویی به‌عنوان «مجموعه‌های پرادعا و غیرکاربردی» البته برخلاف نظر رهبری انقلاب اسلامی داشته‌اید و این در جلسات خصوصی بیشتر خودش را نشان داده، نمایان‌گر رویکرد مدیریتی و عملکرد شماست!

جناب وزیر!

با این رویکردها، شما اقدام درست و لازم اخراج اساتید ضد انقلاب و اسلام و دین از دانشگاه را، تبدیل به ابزاری برای تسویه حساب‌های شخصی رؤسای دانشگاه‌های کشور با همکارانشان کردید که البته در همین دانشگاه هم مشاهده شده است؛ بنا نبود با حذف اساتید مطلقاً ضد انقلاب از دانشگاه، ما دانشجویان انقلابی پذیرای اساتید مطلقاً بی‌سواد و رانت‌خوار اصطلاحاً حزب‌اللهی یا انقلابی باشیم. دانشگاه، اساتید و گروه‌های آموزشی مبتنی بر منطق و اراده علمی، بصیرت سیاسی و اهلیت برای مصالحه‌جویی اجتماعی می‌خواهد که مسیر علمی-سیاسی خودشان را از مسیر ایران اینترنت‌نشال، جنبش سبز، بی‌بی‌سی و ایضاً فلان رئیس و وزیر و وکیل دولت انقلابی سیزدهم نگیرند! بلکه عالم باشند و صرفاً به استقلال ملی و دینی دانشگاه و ایران اسلامی متعهد باشند.

یا مثال ساده‌تری بزنیم که مدت‌هاست توسط بسیج دانشجویی دانشکده روان‌شناسی همین دانشگاه پیگیری می‌شود. کاش بدانید هیچ سازمانی با ابلاغیه اداره نمی‌شود و اراده لازم است :

ابلاغیه چند روز گذشته وزارت علوم مبنی بر اجرایی‌سازی بندت از ماده ۲۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در دانشگاه‌ها که از مطالبات رهبری انقلاب هم بوده، در فضای مجازی منتشر شده است. اما آقای وزیر، فقط در همین حد هم باقی مانده است! حتی برخی دانشگاه‌ها این ابلاغیه را دریافت نکرده‌اند. هیچ اراده‌ای در دانشگاه‌ها برای ترویج زیست‌مادرانه وجود ندارد. چگونه است که در بحران کرونا همه نهادها بسیج می‌شوند تا با بحران مقابله کنند و از آموزش مجازی تا کلیه امکانات را به کار می‌گیرند، اما در بحران جمعیت همان مدیریت دانشگاه‌ها و وزارت علوم حاضر به اجرای بندت ماده ۲۶ قانون جوانی جمعیت نیستند!؟

آقای وزیر علوم جمهوری اسلامی ایران!

دانشجو قرار است عنصر فعالی باشد که در ضمن نگاه نقادانه به خود و کشور، در آینده‌ای نه‌چندان دور، حلال مشکلات ملت و دولتش باشد. اما با مدیریت درخشان شما و پیشینیان شما، دانشجویان تبدیل به کارمندانی شده‌اند که سر ساعتی مشخص به دانشگاه می‌آیند و بی سرو صدا در ساعتی دیگر از آن خارج می‌شوند. گویا شما همین دانشگاه را می‌خواهید. دانشگاهی مرده و سوت و کور. الحق والانصاف باید برای شما دست زد. وقتی وضع چنین است، مجدداً باید تکرار کنیم که

«شما از ابتدا هم اشتباهی بودید! همانطور که پیشینیان شما ندانستند از جان دانشگاه چه می‌خواهند و آن را به بی‌راهه کشاندند!»

اما سخن آخر، جناب دکتر زلفی‌گل!

ما به‌عنوان دانشجویان انقلابی که ابتدای سال تحصیلی مورد لطف شما قرار گرفتیم، شما را به همان بیانات امام خمینی در ۰۱/۰۲/۵۸ فرامی‌خوانیم. همان روز هم چنین قصدی داشتیم و امروز با صدای رساتری اعلام می‌کنیم؛ «انقلاب اسلامی از شما اتخاذ سیاستی را می‌طلبد که نهاد علم در مسیر دانشگاه جمهوری اسلامی قرار گرفته باشد؛ دانشگاه ایرانی درون‌نگر و برون‌زا، استقلال طلب، دین‌مدار، عدالت‌خواه، آزاداندیش، مولد و حامی مقاومت مستضعفان جهان.»

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته